



نامه ای از ماره، ریودوژانیرو

بیانیه ای از حاشیه نشینی

در مارس 2017، موسسه ماری و ژوان آلیشو (IMJA) نخستین سمینار بین المللی خود را در زمینه حاشیه نشینی در سطح جهانی، در ماره، ریودوژانیرو برگزار کرد. هدف اصلی این رویداد ایجاد یک دیدگاه منسجم (همراه با مشارکت بیشتر) بین سازمان‌ها، جنبش‌ها، گروه‌ها و افرادی که در اقدامات عملی در حاشیه نشینی‌های نقاط مختلف در سراسر جهان معاصر شرکت می‌کنند.

این تلاش ساخت یک چیز بی اهمیت نیست. در حقیقت، همانگونه که به طور گسترده‌ای شناخته شده است، ما در یک دنیای اجتماعی که تحت تأثیر حضور حاشیه نشینی (و ساکنان آنها) زندگی می‌کنیم که بر اساس ننگ و کلیشه‌های موجود، مانع از درک جهانی و پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی شده است.

تصورات و تخیلات پایه و اساسی برای بنیان واقعیات است. کلیشه‌هایی موجود در مورد حاشیه نشینی که اکثریت انسانهای فقیر در آن ساکن هستند، اغلب بر سیاست‌های عمومی و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و خصوصی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این که واقعیت خواسته‌های ساکنان را برآورده نمی‌کند، آنها به تقویت فرآیندهای تخصیص مواد و نمادین، تضعیف استراتژی‌های جمعی ساخته شده توسط گروه‌ها از حاشیه‌ها برای اعمال حق خود به شهر کمک می‌کنند.

بدنام سازی در کشورهای فرادست (غیر هژمونیک) و کشورهای فرو دست (غیر هژمونیک) در حوزه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی فعلی ظهور می‌یابد. پیش‌فرض‌ها اغلب اجتماعی محور است و بررسی حاشیه‌ها اغلب بر اساس مدل‌های مربوط به نظریه‌های شهری و فرضیه‌های فرهنگی/زیبایی‌شناسی است که توسط گروه‌های اجتماعی هژمونیک و طبقات حاکم تعیین می‌شود. این گروه‌ها هر آنچه را که سالم، دلپذیر و مناسب برای عملکرد شهر است و بر اساس مدل «تمدن» جاری را بنا می‌گذارند. آنها همچنین یک مفهوم خاص نظر را تعریف می‌کنند و چه نوع رفتار و عمل اجتماعی را مناسب می‌دانند.

علاوه بر آن، ارتقاء ایده‌ی عدم حضور، فقدان و همگنی وجود دارد. این عوامل در ادراکات کاهنده و طبقه‌بندی سلسله مراتبی مناطق در ارتباط با دیگر فضاهای شهر فعالیت می‌کنند. حاشیه‌ها از این لحظ قابل توجه هستند که با یک مدل ایده آل شهری و بر اساس مدل‌های فرهنگی و آموزشی (که در اکثر موارد، توسط مردم ثروتمندتر شهر استعمار می‌شود) قابل قیاس نیستند. از این منظر، حاشیه‌ها به عنوان فضاهای نامن‌شناسخته می‌شوند و تاریخ افراد در حومه‌ها، انکار می‌شود و منطقی که در آن زندگی می‌کنند به عنوان محل سکونت به رسمیت شناخته نمی‌شود. در اغلب موارد با آنها به شیوه‌های عجیب و غریب (به عنوان "غیر متمدن" رفتار می‌شود).

حاشیه نشینی ارتباط تنگالتگی با نهادهای اجتماعی، به ویژه بازارهای دولتی و رسمی دارد. در این رابطه، افراد اغلب درگیر مشاغلی هستند که از مدل‌های تعریف شده هژمونیک توسط دولت یا بازار پیروی نمی‌کنند، و چنانچه این کار توسط موسسات مذکور ایجاد شوند، به عنوان نمونه هایی از جنبش کمونیستی و بی‌ثباتی به تصویر کشیده می‌شوند. چنین دیدگاهی فارغ از موضوعات هویت آنهاست و نوآوری‌های متعدد عملی و دانش را که درون حاشیه‌ها ساخته شده، نادیده می‌گیرد.

حامیان این نامه، رویکرد کلیše‌ای و عدم شایستگی را در خصوص حاشیه نشینی، مورد قبول نمیدانند. حاشیه‌ها دارای تعداد فراوانی از اشکال و پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که چالش برانگیز هستند. بنابراین نیازمند چارچوب گسترده‌ای برای درک و کمک به راهنمایی‌های اختصاصی می‌باشد. در حالی که تصدیق می‌شود که حاشیه‌ها در سراسر جهان در شرایط و فرم‌های عملکرد ناهمگن هستند، ولی تعدادی از ویژگی‌های مشترک در میان آنها وجود دارد. ما تأکید می‌کنیم که هر حاشیه بخشی جدایی ناپذیر از شهر و ترکیب ساختار شهری است و بنابراین در آن پیکارچه شده است. حاشیه نشینی مرکزی برای شهر است که بدان هویت و معنا می‌بخشد.



نامه ای از ماره، ریودوژانیرو

بیانیه ای از حاشیه نشینی

حاشیه نشینی را نباید با توجه به ارتباط دینامیک اجتماعی-منطقه ای و یا فاصله فیزیکی آن از مرکز هژمونیک، بصورت منفی تعریف کرد. حاشیه ها باید برای عرفهای روزمره خود که ساختار اجتماعی آن را ایجاد می کنند، از جمله پتانسیل آنها برای اختراع، شکل های متمایز ساختمانها و مقاصد ارتباطی هژمونیک خاص در هر حاشیه، به رسمیت شناخته شود.

بسیار ضروری است که با عرفهای تعیین شده توسط ساکنین به رسمیت شناخته شود. همچنین شرایط عینی زندگی اجتماعی آنها مطابق با تعاریف مسکن مناسب آنها و در جهت حصول اطمینان از رفاه باشد.

بنابراین حامیان این نامه حاشیه نشینی را بعنوان بخشی از شهر به رسمیت شناخته که ساکنان آن با تمامی یا قسمتهایی از چالش های زیر که در آن قرار دارند، محدوده هایی را تشکیل می دهند:

- مشارکت کارگران در شغل‌های زیر دستی و غیر رسمی؛
- نرخ بالای عدم اشتغال یا مشاغل غیررسمی در مقایسه با افراد شاغل؛ به ویژه در مورد جوانان؛
- تمرکز شرایط ظلم و استثمار برای اکثر گروه ها- سیاه پوستان و سرخپستان بومی، مهاجران، کولی ها، پناهندگان، اقلیت های مذهبی و قومی و دیگر گروه های مورد تبعیض- که کمابیش به دنبال حفظ فرهنگ و هویت خود هستند؛
- نرخ بالای خشونت در فضاهای عمومی- بخشی بخاطر جنگ علیه مواد مخدر - و مابین نیروهای امنیتی دولتی و گروه های جنایتکار؛
- وجود روابط جنسیتی نابرابر که به میزان بالای خشونت علیه زنان و دختران در زندگی روزمره آنها منجر می شود؛
- نرخ بالای خشونت و موارد نقض حقوق علیه دگرباشها - به خصوص گروه های تراجنسي- که منجر به افزایش میزان قتل در این گروه میشود؛
- شیوع بالای مرگ و میر ناشی از خشونت علیه جوانان بدليل برچسبهای قومی و نژادی؛
- سطح آموزش پایینتر از حد متوسط باقی شهر؛
- وجود مناطقی که توسط فرآیندهای تخریب محیط زیست و سلب مالکیت به علت اقدامات سازمان خصوصی و عمومی؛

ما همچنین تأیید می کنیم که حاشیه ها بخاطر پتانسیلهای بالقوه متعددی بشرح زیر مشخص می شوند:

- حضور جمعیت جوان که منبع نوآوری است و طیف وسیعی از خواسته ها و فعالیت های عمومی را برای تضمین حقوق فراهم می آورد؛
- روابط همسایگی و خویشاوندی مستحکم که توسط معاشرت پذیری، روابط منقابل و همبستگی مشخص می شود و بدليل فضاهای مشترک به عنوان سایت های همزیستی اجتماعی و فرهنگی تمجید میشود؛
- فراوانی انواع مختلف اشکال فرهنگی، هنری و اجرایی، روشهای و حالت هایی که روایت های شهری را اختراع می کنند، تجدید و تحقق می بخشنده؛



نامه ای از ماره، ریودوژانیرو

بیانیه ای از حاشیه نشینی

- حضور قوی همبستگی و ابتکارات اقتصادی محلی و متداول؛
- حضور مستحکم فرم های جایگزین خدمات و تجهیزات شهری، آموزشی، اقتصادی، املاک و مستغلات و تجهیزات، در پاسخ به عدم حضور، عدم وجود و/یا ناکافی بودن سرمایه گذاریهای دولتی و خصوصی در این زمینه؛
- سطح بالای خودگردانی ساکنان محلی در فضای عمومی، منعکس کننده تجربیات و اعمال خودمنخاری است؛
- راه حل های خلاق شهری از نظر مسکن، ارائه خدمات و زیرساخت های عمومی، که باید به عنوان مرجع برای کل شهر در نظر گرفته شود؛
- خانه ای برای هویتها و عرفهای فرهنگی متفاوت با توجه به تجارب همزیستی بین ملت ها، قومیت ها و ادیان مختلف - صرف نظر از وجود امکان درگیری و شرایط عدم تحمل؛
- مکانهایی برای خلق و تولید دانش، که پیچیدگی آن باید به طور گسترده توسط جامعه شناخته و ارزشگذاری شود؛
- وجود مدل های مشارکتی جمعی، جنبش ها و سازمان های اجتماعی که در حال مبارزه برای حقوق خود و گسترش طیف وسیعی از خواسته ها و اقدامات در چهت بهبود دموکراتیزه شدن شهر هستند.

برای درک تنوع موجود در شهر شهر، شناسایی ویژگی های هر منطقه و تأیید شهروندی و احترام گذاردن به همه ساکنان ضروری است. انجام این کار مستلزم شناختن افراد حاشیه نشین به عنوان شخصیت های اصلی است که قادر به سخن گفتن برای خود و شیوه های اجتماعی و فرهنگی خود (نمادهای مقولمت و تجدید نظر و مبارزه برای حقوق خود هستند) که باید در سیاست های عمومی تضمین شود. این امر برای شناسایی کامل زندگی اجتماعی دموکراتیک و برای شناخت استفاده قانونی از تمامی امکانات که توسط همه افراد ساخته شده، ضروری است. تضمین این اصل نیازمند و مستلزم ساختن یک تجربه دموکراتیک رادیکال از حقوق شهری است.

محمد مباشر امینی